

آینه

انتقاد

یادداشت: «خطر تحجر»؛ محمد تقی فاضل‌مبیدی

سخنی که اخیرا یکی از آقایان در جلسه تجلیل از ریاست‌جمهوری بیان کرده است و رئیس‌جمهور هم بدون هیچ‌گونه واکنشی آن را به تماشا نشسته و گوش کرده، از همین قبیل است. سخن این گوینده اینکه این دولت را دولت رجعت می‌داند که با امام زمان بر می‌گردد، از دو حال خارج نیست: یا از سر جهل و نادانی بوده است یا از سر مداحی و تعریف؛ چون که غالب این نوع اقدامات در برابر مدیران داشت‌اند و ممکن است هم از سر جهل بوده باشد و هم از سر تمجید که هر دوی آن اخلاقا و اعتقاد محکوم است. با این سخنانی که اخیراً زده شده هر چند تاریکی ندارد و برای نخستین‌بار هم نیست ولی روز به روز احساس خطر می‌شود و باید از آن دو خطری که همواره امام(ره) گوشزد می‌کرد یکی اندیشه تحجر و دیگری بازسازی انجمن جنتیه، غفلت نکنیم.

کیتان

خبر ویژه: «آقای الهام» از شما بعید بود!

اظهارات سخیف آقای دکتر الهام در گردهمایی سوم تیر که به منظور تجلیل از خدمات رییس‌جمهور برپا شده بود، با حیرت آمیخته به تأسف در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی کشور رویه‌رو شد و برخی از حاضران در جلسه یاد شده نیز که اظهارات وی را دور از انتظار تلقی می‌کردند از اینکه دکتر الهام با این سخنان سخیف، شخصیت و سابقه اسلامی – انقلابی خود را تخریب کرده است، ابراز تأسف می‌کردند. سخنگوی دولت در بخشی از اظهارات غلوآمیز خود در تجلیل از آقای دکتر احمدی‌نژاد گفت: «احمدی‌نژاد توانست در جامعه جهانی مذهبیت را معرفی کند... و افزود: «انشاءالله با ظهور حضرت امام‌زمان(عج) احمدی‌نژاد نیز رجعتی دوباره خواهد داشت و در آن زمان به دنبال استقرار اسلام ناب خواهد بود...» ظاهرا سخنگوی محترم دولت فراموش کرده که اعتراض‌ها به ادعای «هاله نورا» بود که آقایان ابتدایر آن تأکید کردند ولی هنگامی که با اعتراض رویه‌رو شدند آن را تکذیب کردند و نهایتاً وقتی نتوان صوتی کسی که چنین ادعای سخنی را مطرح کرده بود، منتشر شد، ترجیح دادند درباره آن سکوت کنند و معلوم نیست سخنگوی دولت را چه می‌شود که از اعتراض به یک ادعای سخیف و بی‌پایه با عنوان «بی‌توجهی به استقرار حکومت علوی» یاد می‌کنند؟! آقای دکتر الهام در تعریف و تمجید از آقای احمدی‌نژاد چنان افرای می‌کند که گویی انقلاب اسلامی و گسترش دامنه اسلام، همه و همه مدیون ایشان است!در آخرین ساعات دیروز ویاخبر و خوشحال شدم که آقای دکتر الهام اظهارات خود را تصحیح کرده است ولی خبر که آمد، متأسفانه خوشحال‌کننده نبود. کاش آقای الهام با سابقه دینی که از ایشان داریم به جای توجیه آنچه گفته‌اند، در یک کلمه از اشتباه خود پوزش بخواهند.

چرا

یادداشت: «اگر منظوری نداشتی چرا گفتی «رجعت»؟»

با توجه به عملکرد آقای احمدی‌نژاد در طول هشت‌سال زمامداری خود و نارضایتی گسترده‌ای که از ایشان درخصوص عملکردشان وجود دارد، احتمالاً در دسته نیکوکاران و صالحین قرار نخواهند گرفت، بنابراین آقای الهام باید مشخص کنند که آیا منظور ایشان از به کار بردن واژه رجعت برای آقای رییس‌جمهور به معنای فرزادان ایشان در دسته انسان‌های بد آخرالزمانی است؟ که اگر اینچنین باشد، لزوم رسیدگی به جرم ایشان درخصوص توهین به شخص رییس‌جمهور، ضروری به نظر می‌رسد.

بهار

یادداشت: «دو گانه خط سازش، خط مقاومت»؛ عباس عبدی

بدترین اشتباه اصولگرایان در این انتخابات طرح مساله خط سازش و مقاومت بود؛ زیرا اگر منظور از خط سازش، درخصوص عملکردشان وجود دارد، احتمالاً در دسته گذشت‌کردن از منافع ملی کشور است، در این صورت چگونه ممکن است که مردم به چنین فردی رای دهند و از آن هم بهتر اینکه چگونه ممکن است شورای نگهبان چنین فردی را تأیید کند؟ بحث اصلی این انتخابات در تقابل سازش و مقاومت نبوده و نیست. بحث بر سر عقلانیت و تفاهم و مشارکت در تصمیم‌گیری و تعامل با دنیای خارج و چگونگی هرچه بهتر تأمین کردن منافع ملی است. از نظر فرد پیروز انتخابات قرار نیست که بازی با خارج، به صورت صفر و یک باشد. این اشتباه بسیار ناخوشدونی به بعضی نیروهای تازه‌کار اصولگرا وارد است که باطرح چنین شعار بی‌مناسبتی نه‌تنها در انتخابات شکست خوردند، بلکه یک گاف سیاسی مهم به جای گذاشتند که برای کشور منفعتی نداشت و سراسر ضرر بود.

تاریخ

یادداشت: «مطهری، وزیر کابینه در مجلس»؛ مسعود کاظمی

انتقال نیروهای کینه‌ی از مجلس به دولت بیش از آنکه بر وزن کابینه بیفزاید کلمه فارمان را اسبک می‌کند. مجلس به مطهری نیازمندتر است تا دولت. نماینده مستقل و اخلاق‌مداری که بدون فراکسیون تعهد خود را به راه و منش سیدحسن مدرس نشان داده است و مدرس را در آینه تاریخ در هیات یک نماینده مجلس می‌شناسیم و نه وزیر دولت. دولت تدبیر و امید اگر تدبیر بیشتری از خود نشان دهد درمی‌یابد که مطهری در مجلس به مانند چنگ وزیر در کلبینه عصای دست دولت خواهد بود.

ایران

یادداشت: «نقش مردم در تحکیم خروزرزی»؛ رامین شریف‌زاده

مروری بر وضعیت اصلاحات در تاریخ ایران نشان می‌دهد که اصلاحات در ایران همواره مقطعی بوده و هیچ‌گاه نتوانسته به یک جریان مستمر تبدیل شود.

۴ کشور از نظر مدیریتی اکنون در چه جایگاهی قرار دارد؟

مدیریت کشور تا قبل از دولت آقای احمدی‌نژاد تحولاتی را به خودش دید. تا پیش از ایشان از منظر جناح‌های سیاسی مدیریت یکدست بر کشور حاکم نبود، در هیچ‌یک از شئونات تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و اجرا، ارکان مختلف نظام چرخشی بود و مدیران هر دو جناح در دستگاه اجرایی کشور حضور داشتند و همه مدیران اجرایی در ارکان مختلف نظام نیز جای داشتند. اگر یک مدیر از دستگاه اجرایی کنار می‌رفت در یکی دیگر از ارکان نظام مثل شهرداری، صداوسیما، قوه‌قضاییه و... مشغول به فعالیت می‌شد.

از هشت سال پیش در زمان آقای احمدی‌نژاد مطرح شد که یکدست‌سازی، مشکلات کار را کاهش می‌دهد و درگیری‌ها و تنش‌های کاری را کم می‌کند و دیگر نیرویی صرف ختنی کردن نتوان یکدیگر نمی‌شود. اما در حقیقت این کار اشتباه بود و نشانه عقلانیت این است که از هر نیروی مفیدی در ساختار استفاده کنیم یعنی عقلانیت بیسیک (پایه‌ای) این را می‌گوید. حتی اگر نیرو کم آوردیم باید از خارج از مرزها هم نیرو جذب کنیم. امروز می‌بینیم در کشورهای مختلف جهان صرفا به مدیران خودشان اکتفا نمی‌کنند مثلا الان در اروپا و آمریکا مدیران ژاپنی و کره‌ای هم جذب صنعت می‌شوند.

۴ این توضیحات شما بر اساس علوم مدیریتی قابل تعریف و بررسی است اما مساله اینجاست که دولت فعلی ریشه این علوم را غربی و برپایه مضطیبات غرب می‌داند در حالی که معتقد است ایران باید راه متفاوتی برود.

اگر بخواهیم آینده مدیریت و علم سیستم‌ها و ساختار را غربی و شرقی کنیم این کار پشت‌پازدن به علم و دانش بشر است. دنیا در مسیر حرکت خودش به نظر بهار، راهکارها و تکنیک‌های جدید می‌رسد و اگر بخواهیم این تجارب را نفی کنیم در حقیقت در دنیا را به روی خودمان بسته‌ایم.

نه اگر هم ادعاکنیم چنین جایگزینی داریم، نوعی خودفریبی کرده‌ایم و غرور بیجاست که به کارها لطمه می‌زند. مسایل علمی و دستاوردهای بشر در تولید دانش مرز نمی‌شناسد. تولید، توزیع و استفاده از دانش روزبردار نیست. تنها ادعای ما می‌تواند این باشد که ما یک خاستگاه‌های بومی داریم و مسایل علمی را بومی‌سازی می‌کنیم و بعد استفاده می‌کنیم. به‌عنوان مثال مدیران ما خصوصیات خاصی دارند که در اروپا وجود ندارد مثل حس «احسانات» در بین مدیران. پدیده‌ای که در هیچ کشور دیگری در این حد و اندازه وجود ندارد و ما باید در کاربرد علوم مدیریتی این مساله را لحاظ کنیم که حسادت در اینجا عنصر شکننده‌ای است

یعنی آن مساله علمی را طوری به‌کار بگیریم که پاسخگوی نیاز و شرایط ما باشد.

۴ یسی از ویژگی‌های رفتاری احمدی‌نژاد این بود که گویا برای پویایی انقلاب –بزمع خودشان– به یک نوع «انقلاب در انقلاب» یا «تسویه از درون» معتقدند، نظر شما چیست؟
نظ ایشان ۱۰، ۱۲ هزار مدیر باتجربه را حذف کرد و به جایش عده‌ای کم‌تجربه را جایگزین کرد! من الان بخش خصوصی هستم و برای جا انداختن یک مطلب سساده باید بنشینم ساعت‌ها با مدیر کل و معاون وزیر بحث کنم دست آخر هم شاید به نتیجه نرسم. یعنی آنان حرف و دستورالعمل‌های کارشناسی را کمتر متوجه می‌شوند. این است که نیروی جدید را بیاوریم بنشانیم کنار کارشناس قدیمی و مدیر بسابقه تا تجربه به منتقل شود.

۴ چالشی که احمدی‌نژاد با روسای‌جمهور و مدیران پیش از خودش احساس می‌کند، دوسویه و واقعی است یا خیر؟

ببینید در مناظره نامزد‌ها آقای حداد‌عادل مطلبی را بیان کرد که کسی جواب او را نداد، وقتی آقای عارف گفت آقای احمدی‌نژاد نیروهای اصلاحات را کفر بر کرد، آقای حداد گفت این عمل احمدی‌نژاد پاسخ هشت سال قبلش بود که شما اصلاح‌طلبان درو کردید، من می‌خواهم ببرسم آقای حداد‌عادل، در دوره اصلاحات کدام آدم اصولگرایی در نظام بیکار بود؟! ممکن است نیروی اصولگرایی از دولت رفته باشد اما بلااستثنا همه‌شان در یکی از ارکان نظام مشغول به کار بودند و هیچ کدامشان بیکار و خانه‌نشین نبودند. اما در هشت سال دولت احمدی‌نژاد کلا مدیران را و بیکار و خانه‌نشین کردند. تفاوت این است و نکته دیگری اینکه از اول انقلاب تا دولت احمدی‌نژاد اکثر نیروهای اصولگرایی مطرح فعالیت‌های اقتصادی داشته‌اند در حالی که اصلاح‌طلبان صرفا به‌دنبال کارهای اجرایی و مجلس و این حرف‌ها بودند. برای روشن شدن این مطلب یک پرسش‌نامه دارم. از اول انقلاب تا الان ۵۰۰ نفر از اصولگرایان و ۵۰۰ نفر از اصلاح‌طلبان رده‌بالاتی

سیاست



احمد خرم در گفت‌وگو با «شرق»:

روحانی توان ایجاد «تغییر» دارد

مانی تهرانی

حلقه گمشده مدیریت کشور چیست؟
انتخاب حسن روحانی به ریاست‌جمهوری و پایان دولت دهم پرسش‌های بی‌پاسخ فراوانی را در ذهن و روان آدمی باقی می‌گذارد از جمله اینکه آیا واقعا کشور به شرایط ویژه رسیده بود؟ آیا باید محمود احمدی‌نژاد را مسوول این وقایع دانست؟ در این صورت احمدی‌نژاد چه دلیلی برای چنین عملکردی داشت؟ نقاط حساس و اساسی که او برای پیشبرد اهدافش روی آن دست گذاشت کدامند؟ دستاوردهای مثبت و منفی این کارنامه چیست؟ و در سوی دیگر کلیدداری حسن روحانی بر اساس کدام منطق جامعه‌شناختی رخ داد؟ روحانی بر آمده و نماینده مطالبات چه گروهی است؟ می‌خواهد چه چیزی را تغییر دهد؟ آیا اصلا تغییر ضرورتی دارد؟ و مهم‌تر اینکه در شرایط امروز امکان آن تا چه اندازه میسر است؟ آیا خوشبینی منتقدان داخلی و خارجی به کلیدهای حسن روحانی واقعی است؟ در چه بازه زمانی باید منتظر گشایش قفل‌ها بود؟ اینها و بیشتر در گفت‌وگو با مهندس احمد خرم، وزیر راه و ترابری دولت هفتم و مشاور ارشد اقتصادی رییس‌جمهوری در اصلاحات هفتم.

مدیریتی را فهرست کنیم و اموال خودشان و بستگان درجه‌یک و دو و مباشرانشان را قبل و بعد و حین مسوولیت حسابرسی کنیم تا تفاوت دارایی اینها را ببینیم و معلوم شود چه خبر است.

۴ در عرصه مدیریت طبیعتا همیشه نیروی معترض وجود دارد، نگاه شما به مقوله مدیریت نقد و اعتراض و چگونگی بر خورد با نیروهای منتقد و معترض چیست؟
کما اینکه یکی از دلایل تسویه‌های متعدد دولت احمدی‌نژاد هم برناتفتن نقد و اعتراض بوده است.

آقای احمدی‌نژاد آستانه تحمل بسیار پایینی دارد و البته این مشکل خیلی از اصولگرایان است. اغلب آنان اصلا اعتراض و نقد مشفقانه و حتی نقد همراه با راهکار را هم برنمی‌تابند. در سال اول دولت آقای احمدی‌نژاد ۵۴ اقتصاددان به ایشان نامه نوشتند، با آنها جلسه گذاشت حرف‌هایشان را شنید و کار خودش را انجام داد! الان مشخص شد مدیریت این مسائل را روی لاسدوزی، علم و دانش که داشتند و از روی عقلانیت آن حرف‌ها را می‌زدند و امروز تمام اتفاقاتی که آنها برای اقتصاد پیش‌بینی می‌کردند به وقوع پیوسته. حتی نقدی که در راستای منتاق علمی است را هم تحمل نمی‌کنند. **۴ با توجه به شرایط امروز فکر می‌کنید این ضعف نقدپذیری و آستانه پایین تحمل برخی اصولگرایان از هشت‌سال پیش تا امروز تغییری کرده؟**
بله من فکر می‌کنم شرایط اجتماعی افراد و گروه‌ها را وادار به نقدپذیری می‌کند. در دولت اصلاحات یک نفر را آقای خاتمی و دولتش آسیب دید به‌شما شکست آقای احمدی‌نژاد است یا ناکامی اصولگرایان؟ به‌عنوان مثال نظر برخی مانند رضایی این است که این نتیجه به معنای ناکامی اصولگرایان بود و مردم به آنها یک «نه» بزرگ گفتند.

من فکر می‌کنم مردم چهار سال است به این نتیجه رسیده‌اند که اصولگرای شکست خورده البته یک مدتی از صحنه کنار کشیدند و با یک حرکت مدنی دوباره برگشتند و این انتخابات را آفریدند. مردم اول یک گام به عقب برداشتند که هزینه‌هایشان کم شود سپس دو گام به جلو برداشتند. مردم پاسخشان را پای صندوق دادند. این انتخابات نشان داد که با فعالیت مسالمت‌آمیز و با تکیه بر آگاهی مردم می‌توان به پیش رفت و اگر هم کسی بخواهد، احیانا، چشم بد به رای مردم داشته باشد فضای مردمی آنچنان علیه او سنگین می‌شود که به بن‌بست می‌رسد.

۴ هم‌زمان با این دوره انتخابات ریاست‌جمهوری انتخابات شوراهای شهروستا نیز برگزار شد، برخی معتقدند دلیل سفر کار آسمن پدیده‌ای مانند آقای احمدی‌نژاد، اشتباهات اصلاح‌طلبان در شورای شهر اول و شکست آنان در دومین انتخابات شوراهای بود که باعث شد تیم آبادگران آقای احمدی‌نژاد را به کرسی شهرداری تهران برساند و رویدادهای بعدی رخ داد.

آقای خاتمی از عملکرد دوره اول شورای شهر تهران راضی نبودند چون شورا جای فعالیت سیاسی نیست و اگر هم کسی بخواهد، احیانا، چشم بد به رای مردم داشته باشد فضای مردمی آنچنان علیه او سنگین می‌شود که به بن‌بست می‌رسد. **۴ هم‌زمان با این دوره انتخابات ریاست‌جمهوری انتخابات شوراهای شهروستا نیز برگزار شد، برخی معتقدند دلیل سفر کار آسمن پدیده‌ای مانند آقای احمدی‌نژاد، اشتباهات اصلاح‌طلبان در شورای شهر اول و شکست آنان در دومین انتخابات شوراهای بود که باعث شد تیم آبادگران آقای احمدی‌نژاد را به کرسی شهرداری تهران برساند و رویدادهای بعدی رخ داد.**

آقای خاتمی از عملکرد دوره اول شورای شهر تهران راضی نبودند چون شورا جای فعالیت سیاسی نیست و اگر هم کسی بخواهد، احیانا، چشم بد به رای مردم داشته باشد فضای مردمی آنچنان علیه او سنگین می‌شود که به بن‌بست می‌رسد. **۴ هم‌زمان با این دوره انتخابات ریاست‌جمهوری انتخابات شوراهای شهروستا نیز برگزار شد، برخی معتقدند دلیل سفر کار آسمن پدیده‌ای مانند آقای احمدی‌نژاد، اشتباهات اصلاح‌طلبان در شورای شهر اول و شکست آنان در دومین انتخابات شوراهای بود که باعث شد تیم آبادگران آقای احمدی‌نژاد را به کرسی شهرداری تهران برساند و رویدادهای بعدی رخ داد.**

دادند چه خبر است و به آنها پشت کردند.

۴ با پیروزی آقای روحانی قیمت طلا و ارز سقوط کرد و ارزش سهام در بورس سعودی شد، بازتاب‌های بین‌المللی هم مثبت است و در داخل مردم خوشحالند، اما واقعیاتی نیز وجود دارد. اقتصاد بحران‌زده است و مشکلات دیپلماسی به‌سادگی قابل حل نیست، و انبوه مطالبات سیاسی – اجتماعی داخلی هم وجود دارد. به‌طور کلی شرایط را نسبت به دوران آقای خاتمی چطور می‌بینید؟

من چهارماه پیش رسیدم خدمت آقای خاتمی. بحثی داشتم که الان در چه زمینه‌هایی مشکل وجود دارد؛ مشکل اقتصادی، معیشتی، تحریم‌ها و... در آن تاریخ بحث بود که آقای خاتمی کاندیدا شود. به ایشان عرض کردم اگر شما یا آقای هاشمی بیایید اولین کاری که در سسماه اول در زمینه بین‌المللی می‌توانید انجام دهید این است که استراتژی غرب را از تشدید تحریم‌ها به تخفیف تحریم‌ها تبدیل کنید. گفتم نمی‌توانید معجزه کنید اما می‌توانید این شسب را برعکس کنید. با همین اختیارات ریاست‌جمهوری در زمینه سیاست خارجی هم می‌توان این کار را انجام داد. سال آخر دولت آقای هاشمی مساله دادگاه میکنونوس پیش آمد و باعث شد سفیران ۱۲ کشور مهم اروپایی در یک شب با قهر خاک ایران را ترک کنند اما یک‌سال بعد که آقای خاتمی آمد، توانست همه آنها را برگرداند و روابط را سر گرفته شد.

۴ اجازه دهید بحث را شفاف‌تر مطرح کنیم. به‌عنوان مثال در مذاکرات هسته‌ای، غرب اعلام کرده حاضر است پلکانی تحریم‌ها را بردارد.

من معتقدم آینده مذاکرات هسته‌ای مثبت خواهد بود زیرا دو طرف ماجرا هم غرب و هم ایران وقتی ببینند طرف مقابل به‌دنبال تقابل نیست شرایط تغییر خواهد کرد و با مذاکراتی که انجام می‌شود استراتژی آینده شفاف خواهد شد. در زمان آقای خاتمی هم سیاست خارجی با رهبری هماهنگی می‌شد، خیلی هماهنگ‌تر از الان هم بود و این مشکلات وجود نداشت. الان مملکت به نقطه‌ای رسیده که تغییر روش، لازم است و مسوولان کشور این مساله را قبول دارند. آقای روحانی توان این تغییر را دارد، نشانه‌اش هم همین بازتاب‌های مثبت داخلی و بین‌المللی ریاست‌جمهوری ایشان است که می‌بینید. اینها نشانه است و من معتقدم ظرف مدت سه یا چهارماه کلا ورق برمی‌گردد. در مسایل داخلی هم آقای روحانی کافی است فقط یک کار انجام دهد و آن اینکه انضباط مردم از دولت متوازن شد.

چهارم اینکه ما فکر می‌کردیم شوراها ملاحظه مردم را می‌کنند و عوارض کمتری دریافت می‌کنند اما دیدیم که بودجه شهرداری در عرض یکسال دو برابر شد! یعنی مردم با شوراها همکاری بیشتری داشتند تا دولت. پنجم اینکه برنامه و بودجه شهرداری‌ها منظم‌تر شد. ششم نظارت بر پروژه‌های عمرانی بیشتر شد یعنی شوراها آمدند کمیته‌های فنی و اجرایی تشکیل دادند و از نیروهای متخصص شهروستا استفاده کردند بنابراین نظارت بر پروژه‌های خدماتی و عمرانی بیشتر شد. هفتم سطح تحصیلات شهرداران از میانگین فوق‌دیپلم به سطح لیسانس رسید یعنی باعث شد سطح دانش شهرداران هم پیشرفت کند. وقتی این ففت دستاورد مهم را خدمت آقای خاتمی گفتم، ایشان به‌شدت خوشحال شد. گفتم فرزندی به‌دینا آورده‌ایم با هفت ویژگی بسیار مثبت؛ حالا اگر یکی از منافع شهرداری شهر تهران مسایل را سیاسی کرده نباید این دستاوردهای مهم را نادیده بگیریم.

۴ اگر موافق باشید به بحث انتخابات ریاست‌جمهوری برگردیم، ظاهرا شما از کسانی بودید که پیروزی انتخاباتی روحانی را پیش‌بینی کرده بودید.

بله. من گفته بودم چنانچه انتخابات رقابتی بر گزار شود امکان ندارد اصولگرایان پیروز شوند. **۴ وامیدوار بودید که این اتفاق رخ دهد؟**

من فکر می‌کردم این‌بار نمی‌توانند خیلی از اقدامات دوره گذشته را انجام دهند به این دلیل که اصولگرایان قبلا یکپارچه بودند اما این‌بار اختلافات شدیدتر با یکدیگر داشتند.

۴ تا چه اندازه این اختلافات واقعی است؟
اولش واقعی نبود یعنی آمدند میان خودشان

ابوزیسیون از درون درست کنند، اما بعد سر منافع اختلاف ایجاد شد و این اختلاف‌ها واقعی شدند. درگیری‌ای که در منافع شخصی و گروهی ریشه داشت. اتفاقا یکی از ضعف‌های بزرگشان همین است که اغلب آنان، منافع ملی را نادیده می‌گیرند نگاهی که امروز محکوم به شکست است. ابتدا که با هم به تقابل افتادند، فکر کردند طراحی شده و قابل کنترل است اما بعد که اختلاف‌ها بالا گرفت از کنترلشان خارج شد و شروع کردند علیه یکدیگر افتشگری کردند و... مردم هم خوب تشخیص

ورزش

ایهام در تشکیل جلسه هیات‌مدیره پرسیولیس



● قرار است امروز مدیرعامل جدید پرسپولیس معرفی شود، اما هنوز نه خبری از تشکیل جلسه هیات‌مدیره است و نه رویانین که همراه دایی در روسیه بسر می‌برد و بعد از تغییر برنام‌های اشب به تهران می‌رسد. گفته می‌شود دلیل این تغییر برنامه طول کشیدن برنامه توافقت‌نامه با باشگاه روبین کارآن است، با این تفصیل به نظر نمی‌رسید این جلسه تشکیل شود. از طرف دیگر در حالی که روزهای پایانی حضور دولت دهم را شاهد هستیم، اما دولت دست از تغییرات برنمی‌دارد و هرطور شده می‌خواهد رویانین را از مدیرعاملی پرسپولیس کنار بگذارد. همچنین اعتراض‌ها به تغییرات در هیات‌مدیره قفرم‌ها چند روزی است ادامه دارد. بعد از اینکه بازیکنان و هواداران پرسپولیس با نامه و تجمع در مقابل وزارت ورزش خواستار باقی ماندن رویانین در مدیریت فوتبال بودند، روز گذشته هم حدود ۲۵ الی ۳۰ پیشکسوت پرسپولیس مقابل وزارت ورزش و جوانان برای دیدار با وزیر در حمایت از رویانین تجمع کردند. آنها با وجود اینکه حدود دو ساعت در مقابل وزارت ایستادند اما نتوانستند وزیر ورزش را ببینند. محمدجعفر کلمبوزیا، گزنه مدیرعامل جدید پرسپولیس هم روز گذشته در مصاحبه با خبرگزاری‌های مختلف هدف از حضورش در پرسپولیس را بیان کرد. او در مورد آشنایی‌اش با فوتبال می‌گوید: من یک مدیر ورزشی هستم و همین را بگویم که از ۹۰ درصد مدیران حال حاضر لیگ‌برتر، فوتبالی‌ترم. بنده مهندس ساختمان هستم و هشت‌سال مدیر ارشد وزارت سکن و شهرسازی بودم و هشت‌سال نیز به‌عنوان مهندس فنی در معاونت فنی سازمان تربیتبدنی کار کردم. رییس فدراسیون شرط‌نرخ در مورد اعتراض‌ها به حضور در پرسپولیس گفت: برایم مهم نیست مگر هواداران پرسپولیس فقط همان ۷۰-۶۰ نفری هستند که مقابل باشگاه حضور پیدا کردند؟ مگر نمی‌گوئیم این باشگاه طرفداران میلیونی دارد؟ البته این خیلی خوب است که هواداران از یکی خوششان می‌آید و او را حمایت می‌کنند و این اصلا اشکالی ندارد. گفته می‌شود یکی از دلایلی که وزارتخانه می‌خواهد او را به پرسپولیس بیاورد، منابع مالی است که در اختیار دارد، دلیلی که خود نیز نوعی تأیید می‌کند: قطعا درآمذایی سخت است اما سیاست وزارت ورزش هم به این است که این دو باشگاه به سمت خصوصی‌سازی بروند؛ ولی برای خصوصی‌سازی باید منابع مالی مشخص و دارایی‌های این دو تیم نیز معلوم شود. اگر قرار است کسی این سرمایه را بخرد باید بداند که چه دارایی‌هایی دارد.

ادامه از صفحه اول

تفکر راهبردی، گمشده ورزش

فقط یک گوشه آن صد‌ها کار نیمه‌تمام است که میلیاردها پول و سال‌ها وقت برای تکمیل‌شان نیاز است. و نمونه دیگر آن وزارت خلق‌الساعه ورزش و جوانان است تا کوری صاکنش کور دیگر شود... اگر سند راهبردی نظام جامع توسعه ورزش کشور (طرح جامع ورزش) روزآمد و اجرا شود تا حدود زیادی این نقیصه را جبران خواهد کرد و در صورت لزوم، در حین اجرا، اصلاحات لازم هم در آن معمول خواهد شد تا تحقق این امر تمام ارکان ورزش، ساختار و تشکیلات و برنامه و بودجه آن، منافع انسانی مورد نیاز و اصول ویژه توسعه ورزش‌های تربیتی، همگانی، قهرمانی و حرفه‌ای را در برمی‌گیرد و تمامی مولفه‌های زیرساختی و نرم‌افزاری ورزش را شامل می‌شود. استفاده بهینه از برنامه توسعه و سایر طرح‌ها و لوایح نیز مکمل پیشرفت ورزش کشور کاهش و افزایش مدیریتان سالم و متخصص و توانمند ورزش هم، به دلیل ضعف‌های ساختاری و تشکیلاتی و فقدان برنامه منسجم، امکان اینکه در این حوزه به توسعه و تعالی بیندیشند را نخواهند داشت و اغلب مدیری‌ها در بی‌گنر از امروز به فردا بوه‌اند و خواهند بود. بنابراین مدیریت آینده ورزش کشور می‌تواند چرخ را بچرخاند ولی چنانچه نگذیه به توسعه و تعالی پیشرفت ورزش کشور کاهش و افزایش نیازمند تیمی دارای اهلیت چندجانبه، برنامه‌ای هدفمند و علمی و تلاشی مضاعف می‌باشد تا اوضاع ورزش کشور را به شاخص‌های مطلوب جهانی و منطقه‌ای نزدیک کند و در یک جمله که علمی هم هست باید گفت ورزش ما بیش از هر چیز و پیش از هر کس به یک تفکر راهبردی نیاز دارد. مدیر گردن‌کلفت! یا قدرقدرت! یا صاحب تجربه را هم کاری نیست! فعلا باید به دنبال نقشه راه برگردیم، حالا که دولت محترم جدید با کلید امده باید گفت کلید ورزش هم این است. پس از کلید فوق‌بایور داشت که برای پیاده‌سازی آن برنامه، شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی اساس پیشرفت ورزش کشور است و به میزانی که از این شاخص‌ها فاصله گرفته شود، سرعت پیشرفت ورزش کشور کاهش و کارایی سیستم فروکش خواهد کرد. این امری است که متأسفانه سال‌ها غلبه داشته و موجب کندی پیشرفت ورزش کشور شده است که اگر حل شود سایر موارد و جزئیات هم به‌دنبال این رویه حل خواهد شد و پیشرفت ورزش کشور شتاب خواهد گرفت و افت و خیز و نوسان کمتری خواهد داشت. چنین باد.